



معاون نظارت و راهبری ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگو با «فرهنگستان»:

درآمدهای دانشگاه باید به سمت گرنت پژوهشی سوق داده شود

نیازمند سامانه سنجش عملکرد برنامه هفتم هستیم



زهره رضانی، فاطمه طاری بخش

گروه دانشگاه

سند برنامه هفتم توسعه روز گذشته پس از حدود یک ماه از رونمایی آن بالاخره به مجلس رسید تا نمایندگان کمیسیون‌های مختلف در کمیسیون تلفیق، کار بررسی آن را آغاز کنند. برنامه‌ای که مسیر حرکت کشور و اولویت‌های تخصیص بودجه و تصمیم‌گیری ۵ سال آینده کشور را مشخص می‌کند. از زمان انتشار پیش‌نویس سند تاکنون دیدگاه‌های مختلفی درباره آن مطرح شده است. سیدجلال موسوی، معاون نظارت و راهبری ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگو با «فرهنگستان» ارزیابی خود از میزان اثرگذاری اسناد توسعه در فضای آموزشی کشور را تشریح کرده است. او معتقد است حوزه فرهنگی آموزش عالی در سند برنامه هفتم توسعه مورد توجه قرار نگرفته و زیست دانشجویی و اهمیت کار روی امید و هویت در فضای دانشگاه‌ها مغفول باقی مانده است. مشروح گفت‌وگوی او با «فرهنگستان» را در ادامه می‌خوانید.

۱۱۱

اسناد توسعه‌ای ۵ ساله، ریل‌گذاری کشور در حوزه‌های مختلف را از اواخر دهه ۶۰ تا امروز مشخص کرده است، نتایج این تصویب و اجرای این اسناد در حوزه آموزش عالی را چطور ارزیابی می‌کنید؟
عموما اسناد توسعه، رویکرد آموزشی و علمی ندارند و عموماً رویکردهای اقتصادی داشتند. یعنی سابقه اسناد را که نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم دغدغه اصلی آنها حوزه علم و فرهنگ و آموزش نیست. به همین خاطر نقد اساسی‌ای که متخصصان آموزش عالی یا علوم تربیتی مطرح می‌کنند، این است که چرا نقش اسناد در حوزه فرهنگ، آموزش و عدالت کمرنگ هستند. اما درباره عملکرد این اسناد در حوزه ریل‌گذاری آموزش عالی باید جواب را کلی گفت و متأسفانه بخش‌های زیادی از اسناد توسعه ما کمی نیستند؛ خصوصاً بخش‌هایی که به حوزه آموزش بازمی‌گردد. این موضوع یکی از مشکلات و چالش‌هایی است که ما داریم و همین مسأله باعث می‌شود که عملکرد اسناد در حوزه آموزش سنجیده نشود. البته مشکل کلان‌تری هم داریم که عموماً تحقق برنامه‌ها و اسناد توسعه در حالت خوشبینانه ۲۰ الی ۳۰ درصد بوده و حتی تا ۱۰ درصد و زیر ۱۰ درصد نیز نشان داده شده است. یعنی عملاً برنامه‌های توسعه در بسیاری از فصل‌ها و ماده‌ها و وعده‌ها محقق نشده است. آموزش عالی نیز از این موضوع مستثنی نیست و از آن جایی که بخش آموزش عالی مانند حوزه‌های اقتصادی دقیق و کمی نیست طبیعتاً عملکرد ضعیف‌تری داشته است و می‌توان گفت که تأثیری که باید داشته باشد را در حوزه آموزش عالی نداشته است.

برخی معتقدند در آموزش عالی نیازی به عدالت آموزشی نداریم
یکی از نقدهایی که سال‌هاست در مورد وضعیت آموزش عالی مطرح می‌شود، بحث عدالت است و فعالان برای این مهم مصادیقی مانند نحوه ورود داوطلبان به دانشگاه‌ها، سهم بالای مدارس غیرانتفاعی و... مطرح می‌کنند، سهم اسناد توسعه‌ای و عملکرد دستگاه‌های مربوطه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

درخوشی عدالت آموزشی وضعیت ما تعریف چندان در آموزش و پرورش و آموزش عالی ندارد. بسیاری اعتقاد دارند در آموزش عالی ما نیازی به تأکید روی عدالت آموزشی نداریم که به شخصه با آن مخالفم. کسانی که این رویکرد را دارند شاید برداشت‌شان از عدالت آموزشی، برابری آموزشی است که باید در آموزش عمومی روی آن تأکید کرد، اما بحث عدالت آموزشی چندوجهی است و با برابری آموزشی اختلاف دارد، درحالی که باید در تمام ارگان‌های آموزش عمومی و خصوصی روی آن تأکید کنیم. این کمرنگ دیدن عدالت در حوزه آموزش عالی جای نگرانی دارد و متأسفانه بررسی میدانی نشان می‌دهد وضعیت عدالت آموزشی مناسب نیست و مبتنی بر اهدافی که نظام آموزش عالی ما داشته، حرکت نکرده‌ایم و از آن فاصله داریم. همچنین سهم دک‌های اقتصادی و قبولی آنها در دانشگاه‌ها و امکانات دانشگاه‌های مختلف بر این موضوع صحنه می‌گذارد. متأسفانه در برنامه هفتم نیز به حوزه عدالت آموزشی پرداخته نشده است، درحالی که شایسته است به این موضوع بیش از پیش پرداخته شود. اگر ما در محور اساسی در حوزه آموزش عالی را عدالت و کیفیت در نظر بگیریم باید بگوییم که برای این دو موضوع در برنامه هفتم توسعه

ریل‌گذاری صورت نگرفته است. متأسفانه دانشگاه‌های ما مبتنی بر بودجه دولتی هستند و درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها هم مبتنی بر شهریه است، اما دانشگاه‌های جهان بخشی از درآمدها را مبتنی بر گرنت‌های پژوهشی و درآمدهایی که در حوزه پژوهش و فناوری تعریف می‌شود، تأمین می‌کنند. البته آنها منابع درآمدی دیگری در حوزه وقف دارند. نکته مهم اینکه متکی شدن درآمدهای دانشگاه به شهریه باعث می‌شود که به عدالت آموزشی نیز خدشه وارد شود. اگر قرار است که ما به عدالت آموزشی نزدیک شویم، درآمدهای دانشگاه‌ها را باید از صرف شهریه خارج کرد و مبتنی بر خروجی دانشگاه‌ها و پژوهش‌های دانشگاه‌ها تغییر دهیم تا کیفیت و عدالت آموزشی تحقق یابد.

درآمدهای دانشگاه باید به سمت گرنت پژوهشی سوق داده شود
یکی از نکات قابل توجه در سند برنامه هفتم، تعیین سقف دانشجویانی است که هزینه تحصیل آنها رایگان خواهد بود، درحالی که دانشگاه‌های دولتی به بودجه دولت وابسته هستند اما در مقابل قرار نیست هزینه تحصیل همه دانشجویان را تأمین کنند، این مسأله در سال‌های آینده چه تأثیری خواهد گذاشت؟

متأسفانه دانشگاه‌های ما به شدت متکی به بودجه دولتی هستند و مهم‌ترین بودجه غیردولتی یا به عبارتی درآمدهای دانشگاه‌ها غیر از منابع بودجه‌ای، به شهریه متکی است. در صورتی که در جهان دانشگاه‌ها بخش مهمی از درآمدهایشان را مبتنی بر گرنت‌های پژوهشی، درآمدهایی که در حوزه پژوهش و فناوری به دست می‌آورند، تأمین می‌کنند. البته درآمدهای دیگری هم در حوزه وقف و... دارند و بحث‌مان این حوزه‌ها نیست، اما می‌خواهم بگویم که متکی شدن درآمدهای دانشگاه به شهریه باعث می‌شود که این عدالت آموزشی هم دچار خدشه شود. برداشت این است که اگر بناسبت به عدالت آموزشی نزدیک شویم، باید درآمدهای دانشگاه‌ها را از حالت صرف شهریه خارج کرده و مبتنی بر خروجی دانشگاه‌ها، پژوهش‌های دانشگاهی را تغییر دهیم تا بتوانیم کیفیت آموزشی و عدالت آموزشی را محقق کنیم.

عملکرد جزیره‌ای تبعات مختلفی برای آموزش کشور دارد
یکی از موضوعات چالش برانگیز که طی سال‌های اخیر هم نمود عینی آن را در بحث تغییر سازوکار کنکور دیدیم، تعدد دستگاه‌های تصمیم‌گیر در حوزه آموزش عالی است، این مسأله در تدوین اسناد بالادستی چه تأثیری داشته است؟

متأسفانه ما در کشور هم تعدد دستگاه‌های سیاستگذار و هم تعدد دستگاه‌های اجرایی داریم. درحالی که در جهان عموماً آموزش یکپارچه است یعنی برخی از کشورها، وزارت آموزش و جوانان دارند یا در برخی دیگر وزارت آموزش و اشتغال داریم. نگاه کنیده‌نتنها کل آموزش یکپارچه است و آموزش‌های عمومی، آزاد و عالی از سوی یک وزارتخانه دنبال می‌شود حتی دیگر بخش‌های مرتبط با این حوزه، مانند اشتغال هم از سوی همین وزارتخانه دنبال می‌شود. درحالی که ما در این زمینه به شدت جزیره‌ای عمل می‌کنیم. جزیره‌ای عمل کردن تبعات مختلفی هم برای نظام آموزش کشور دارد. به‌عنوان مثال وضعیت حرفه، اشتغال و مهارت در کشور ما مناسب نیست، به‌خصوص در تسهیلات آکادمیک دانشگاهی این بیکاری بیشتر هم است. وقتی به آموزش عالی می‌گوییم چرا این همه فارغ‌التحصیل بیکار داریم و رشته‌ها مبتنی بر نیاز کشور نیست چه از حیث تعداد و نوع رشته‌ها و چه از بعد محتوا و سرفصل‌های درسی، آموزش عالی برای فراکنشی عنوان می‌کند که این مشکل از آموزش و پرورش است؛ چراکه این وزارتخانه هدایت تحصیلی درستی انجام نمی‌دهد و همین مسأله باعث می‌شود که افراد به رشته‌های خاصی ورود کنند. به‌عنوان مثال اکثر دانش‌آموزان به رشته تجربی می‌آیند و رشته فنی و حرفه‌ای، کار دانش و علوم پایه کمتر مورد استقبال می‌گیرد و این هدایت تحصیلی باید به‌درستی انجام شود تا ما بتوانیم داوطلبان و دانشجویان را در رشته‌های مختلف مدیریت کنیم. در مقابل هم وقتی از آموزش و پرورش خرده گرفته و می‌گوییم هدایت تحصیلی را به درستی انجام دهید تا شاهد تراکم جمعیت در برخی رشته‌ها نباشد که به تبع آن شاهد بیکاری در آنها باشیم، این وزارتخانه می‌گوید که مشکل از آموزش عالی است؛ چراکه براساس آمایش جلود نمی‌رود و ما هم نمی‌توانیم دانش‌آموز را به زور به یک رشته خاصی هدایت کنیم؛ چراکه دانش‌آموز هم بازار کار و نیاز کشور را نگاه کرده و براساس آن اقدام به انتخاب رشته می‌کند.

البته بنده تنها یک مثال رزم، درحالی که مثال‌های متنوعی وجود دارد و می‌توان آن را مطرح کرد و دلایلش هم این است که دستگاه‌های متعددی مجری حوزه آموزش هستند. یعنی وزارتین علوم و بهداشت را داریم، وزارت کار که آموزش‌های تخصصی و غیرآکادمیک را انجام می‌دهد هم وجود دارد و همین جزیره‌ای عمل کردن باعث شده که هم دستگاه‌ها پاسخگو نبوده و هم مشکلات متعددی برای نظام آموزش عالی و مردم ما ایجاد شود. در حوزه سیاستگذاری هم همین مسأله صدق می‌کند و باز شاهد تعدد نهادهای این بخش هستیم که از جمله آن می‌توان شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارتین، مجلس، شورای عالی عتف را نام برد و این مهم باعث می‌شود تا شاهد عدم

هماهنگی بین این نهادهای سیاستگذار باشیم.

با توجه به شرایط امروز کشور در حوزه آموزش عالی، بهترین راهکار برای برون‌رفت از آن را چه می‌دانید؟

قطعاً ما الان نمی‌توانیم چند وزارتخانه را با یکدیگر ادغام کنیم، اما حداقل می‌توان در حوزه سیاستگذاری و راهبری و نظارت به شکل واحد عمل کنیم و این مهم باعث می‌شود تا بخشی از مشکلات آموزش عالی با این راهکار برطرف شود.

مباحث فرهنگی آموزش عالی در برنامه هفتم مغفول مانده است
یکی از بخش‌های مغفول مانده در سند برنامه هفتم، توجه به زیست دانشجویی و مباحث فرهنگی مرتبط با این قشر است، دلیل کم‌توجهی به این محور چیست و تا چه میزان می‌تواند آسیب‌زا باشد؟

متأسفانه کسانی که برنامه‌های توسعه‌ای را می‌نویسند، عموماً از تیم فرهنگی نبوده یا تیم فرهنگی در اقلیت قرار دارد و از ابتدا هم همین‌طور بوده است. یعنی برنامه‌های توسعه‌ای را عموماً متخصصان حوزه مدیریت و اقتصادی نگارش می‌کردند و متخصصان حوزه تربیت و فرهنگ چندان در آن دخیل نبوده‌اند. همچنین به‌صورت کلی هم رویکردها، رویکردهای اقتصادی بوده و رویکرد فرهنگی و آموزشی کمرنگ است به همین دلیل در حوزه آموزشی هم می‌بینیم که رویکرد فرهنگی کمرنگ‌تر است. یعنی باز در آنجا وقتی بحث رشته‌ها، ظرفیت‌ها، دانشجویان خارجی و از این دست مطرح می‌شود حوزه‌هایی مانند زیست دانشجویی، امید و هویت هم در حوزه دانشجویی و هم دانش‌آموزی به‌شدت کمرنگ دیده می‌شود. درحالی که این مباحث فرهنگی زیربنایی‌تر است و اگر بتوانیم دانشجویی تربیت کنیم که به کشور عرق داشته و میهن‌دوستی در آن موج بزند و امید به آینده کشور داشته باشد، قطعاً نیروی کار بهتری تحویل جامعه و بازار می‌دهیم.

فقدان آینده‌نگری به حوزه فناوری در برنامه هفتم
با توجه به رشد فناوری‌های دنیا، سهم این حوزه را در برنامه هفتم چقدر می‌دانید و تا چه میزان به این مقوله توجه شده است؟

کشور پیشرفت‌های خوبی در این چند سال اخیر داشته اما رشد فناوری به‌شدت شتاب بیشتری از رشدی که ما در کشور داریم، داشته و عملاً چند پله عقب‌تر هستیم و متأسفانه این مهم در برنامه‌ها هم خودش را نشان می‌دهد. برنامه هفتم یک برنامه ۵ساله است که باید افاق ۵ساله را در آن دید، اما در فناوری می‌بینیم که هر سال، یک اتفاقات عجیبی می‌افتد به‌طوری که تمام نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی را دگرگون می‌کند. عدم توجه به آینده‌نگری باعث می‌شود که ما این افق را نبینیم. به‌خصوص در حوزه فناوری که رشد آن نسبت به دیگر حوزه‌ها عجیب‌تر هم است، بیشتر نمایان می‌شود.

نیازمند سامانه سنجش عملکرد برنامه هفتم هستیم
علی‌رغم اینکه در سند توسعه ششم شاخص‌های ارزیابی به‌درستی مشخص شده بود اما در پیش‌نویس سند توسعه هفتم شاخص‌های ارزیابی مشخص نیست. آیا از نظر شما این مورد در بخش اجرایی آسیب‌زننده است؟

در حوزه شاخص‌ها هم واقعیت این است که ما در همه برنامه‌ها، نسبت به شاخص‌ها مشکل داریم. به‌طور مثال در سند ۲۰۳۰ که امروز درحال تدوین ۲۰۵۰ هستیم، می‌بینیم که حتی شاخص‌های کوچک‌ترین بخش‌ها هم مشخص شده و در سامانه‌ای هم آن را اعلام کرده بودند، اما ما در هیچ کدام از برنامه‌هایمان این مسأله را نداریم. یعنی در برنامه هفتم اگر سامانه‌ای داشته باشیم که در آن مشخص باشد که در هر کدام از بخش‌ها با چه شاخصی در افاق ۵ سال بعد باید دیده شود، می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. یعنی هم مطالبه‌گری را از حوزه سازمانی و اداری به حالت رسانه‌ای و مردمی می‌رساند و این توفیق بزرگی است، اما متأسفانه با این رویکرد که عموماً مسئولان دوست دارند که از پاسخگویی و زیر ذره‌بین قرار گرفتن دور باشند، همتی برای اینکه چنین سامانه‌ای با شاخص‌های دقیق داشته باشیم تا امروز تحقق پیدا نکرده و این می‌تواند آسیب‌های متفاوتی را ایجاد کند که یکی از آنها این است که همیشه از برنامه عقب هستیم و به گفته کارشناسان تحقق برنامه‌ها ۱۰ یا ۲۰ درصد است.

آگهی دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم

شرکت تعاونی مصرف کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران شماره ثبت ۴۴۰۰۳۹

تاریخ انتشار آگهی: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹

جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مصرف کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات راس ساعت ۱۴/۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۳ در محل سالن آمفی‌تئاتر علامه طباطبایی به آدرس انتهای بزرگراه شهید ستاری شمالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات ساختمان شهید فخری‌زاده تشکیل می‌گردد. لذا از کلیه اعضا دعوت می‌شود با در دست داشتن کارت ملی راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور بهم رسانیده یا وکیل/ نماینده خود را کتبا معرفی نمایند.

به موجب ماده ۱۹ آیین‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی تعداد آرای وکالتی هر عضو حداکثر سه رای و هر شخص غیرعضو یک رای خواهد بود. در صورتی که هر یک از اعضا نتوانند در مجمع عمومی فوق حضور یابند می‌توانند استفاده از حق رای خود را برای حضور و اعمال رای در مجمع عمومی به یک نماینده تام‌الاختیار واگذار نمایند. لازم به ذکر است تأیید نماینده تام‌الاختیار با بازرس و احدی از اعضای هیات‌مدیره



اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده استان هرمزگان

مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای به شماره ۵۴-۴۰۲

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده استان هرمزگان

موضوع پروژه	مبلغ برآورد (ریال)	شهرستان	مدت پیمان (ماه)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)
احداث راه روستایی نارمند شهرستان حاجی‌آباد	۷۰۰,۳۲۹,۹۱۲,۱۶۱	حاجی‌آباد	۶	۳,۵۰۱,۶۴۵,۶۰۹

(الف شرح مختصر کارها:

(ب محل تأمین اعتبار: از محل اعتبارات استانی
(ج شرایط متقاضی: ۱- داشتن شخصیت حقوقی ۲- داشتن توانایی ارائه ضمانتنامه بانکی شرکت در فرآیند ارجاع کار و ضمانتنامه انجام تعهدات ۳- دارا بودن حداقل رتبه ۵ رشته راه و ترابری. لذا متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند «ج» فوق بوده و آمادگی اجرای پروژه را دارند می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه از ساعت ۱۴:۳۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۹ لغایت ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۰۶ به پایگاه اینترنتی سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند، آخرین مهلت تحویل اسناد مناقصه، ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۷ و بازگشایی پاکات ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ خواهد بود. جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی www.iets.mporg.ir مراجعه نمایید.

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای شماره شناسه ۱۵۱۲۳۲۵

نوبت دوم